

رباعیات حسام

بخط

محمّد قزوینی

سرشناسه: خیام، عمرین ابراهیم، ۴۳۲-۵۱۷ق.
Khayyam, Omarebn Ebrahim

عنوان قراردادی: رباعیات

عنوان و نام پدیدآور: رباعیات خیام / بخط محمدصادق

احدیپور

مشخصات نشر: تهران: ایران فردا، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۱۴۴ص، مصور (رنگی)،

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۶۸-۲۵-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیفا

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۵ق.

موضوع: ۱۱th century -- Persian poetry

شناسه افزوده: احدیپور، محمدصادق، ۱۳۴۴-، خوشنویس

شناسه افزوده: Ahadpour, Mohammad Sadeq

رده بندی کنگره: PIR ۴۶۲۵۱۳۹۸

رده بندی دیویی: ۸۵۱/۲۲

سماهره کتابشناسی ملی: ۵۵۹۷۱۹۲

عنوان کتاب: رباعیات خیام

خوشنویس: محمدصادق احدیپور

نوبت چاپ: قرن - زیستان ۱۳۹۷

ناشر: انتشارات ایران فردا

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۶۸-۲۵-۷

تیراژ: ۵۰۰



تهران، خیابان شریعتی، پایین تراز بهار شیراز، بین میثاق ۵ و ۶،

پلاک ۳۰۰، انتشارات ایران فردا - تلفن: ۰۲۱ ۷۷۵۱۲۰۲۰

خیام، در سال ۴۲۷ خورشیدی، در نیشابور، شهری که در آن روزگار، هنوز یادگار کیان و یادآور سرافرازی ایرانیان به شمار می آمد، زاده شد. به زودی همه دانش های زمانه را آموخت و به ویژه در ریاضیات و ستاره شناسی سرآمد دانشمندان زمان خود گشت. جایگاه یافته های ریاضی او تا آنجاست که جورج ساتین او را بزرگترین ریاضیدان همه قرون وسطی می داند. او از نخستین کسانی است که به پژوهش در معاملات درجه یکم، دوم و سوم دست زد و دسته بندی ستایش آمیزی از آن ها به یادگار گذاشت. نخستین بزرگ، نظریه هندسی معادلات درجه سوم خیام، بزرگترین دستاورد یک دانشمند خاورزمین در سده های میانی ست. ستاره شناسی، راه شاهی جلالی، که هنوز هم تقویم ایرانی بر پایه آن است، از اوست. خیام توانست مدایرش زمین را تا ۱۶ رقم اعشار محاسبه کند. بیش از ۲۰ کتاب در زمین های گوناگون، از موسیقی و تاریخ گرفته تا ریاضی و ستاره شناسی نوشت و برانجام در سال ۵۱۷ خورشیدی، چشم از جهان فرو بست و در نیشابور خاک سپرده شد.

در پس این چهره ستاره شناس، ریاضیدان و در یک واژه، دانشمند بزرگ زمان، چنان که همه هم عصرش از او می نامیدند، اما دیگر گونه مردی را می یابیم. به تنگ آمده از بارزده فروشی بزرگان، ستمگری و ناشایستی فرمانروایان و بی ارحی بانان پادشاه، خیام انسان را فریاد می کند. هر چند اسرار هستی را نیک می شناسد، اما از آغاز و انجامی برای آن نمی یابد و در کشاکش دردناک با

و گیار زمان، انسان را تنهاترین می یابد. اندیشه او بی گمان
استوار، دیوارویی و درماندگی انسانی خردورز، دانش مدار و آگاه
از سینه زادگاه خود، ایران، که روزگاری تختگاه شاهانی چون
جمشید و دیلم بوده، با حال ننگین روزگار آشفته و خردستیز نظام
الملکی استوار تنگ بود هراس پراکنی چون حسن صباح و ایرانی
در آستان فراموشی گذرگاه سیلاب مغولان است. در چنین تنگ
روزگاری، خیام ما را به یاد یک چیز فرامی خواند: دم. «این دم عمر
را غنیمت شمیریم».

خیام، به پشتوانه آگاهی و دانش خود، به همه آموخته های
فرازمینی پشت پا می زند و انسان را توان تراز دریافت آغاز و انجام
خود و هستی می داند و او را به بهر بردن از جهان و نیک
گذراندن کوتاه زمان عمر می خواند. کسی که یادگار اندیشه
نژادآرایی است: جهان را به نیک داشتن و بهره بردن از آفرینش.
گروهی شاید، سروده های او را نومیدکننده و مانده شنید. اما چون
نیک بنگریم، خیام ما را به زیستی شاد و خردمندانه فرا می خواند،
و شاید راز ماندگاری این سروده ها در پس صدها سال پسین خیام
باشد:

بر چهره گل نسیم نوروز خوش است

در صحن چمن روی دل افروز خوش است

از دی که گذشت هر چه گویی خوش نیست

خوش باش و ز دی مگو که امروز خوش است